

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفدهم و هجدهم، شماره ۶۷ و ۶۸، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷

دیوان امیر معزی و لزوم تجدید تصحیح

دکتر احمد رضا یلمه ها^۱

چکیده

دیوان امیر معزی را برای بار اول استاد عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۳۱۸ شمسی از طرف کتابفروشی اسلامیة در تهران تصحیح و به حلیه طبع آراست و بار دیگر ناصر هیری در سال ۱۳۶۲ از سوی نشر مرزبان این اثر را تصحیح و به چاپ رسانده. البته چاپ ناصر هیری بسیار مغلوط و نامستند و غیر علمی است؛ چرا که مصحح هیچ اشاره‌ای نکرده است که چه نسخه‌ای را از چه سالی در دست داشته و یا اینکه نسخه اساس و نسخ بدل را از چه نسخه‌ای برگزیده است. از قراین می‌توان استنباط کرد که نسخه ایشان بسیار شبیه به نسخه استاد اقبال بوده و لیکن با غلط‌ها و تصحیف‌های فراوان تری چاپ گردیده و بسیار نابسامان و بازاری است. دیوان مصحح استاد اقبال نیز همچنان که مصحح در مقدمه بدان اشاره کرده، بر اساس نسخه‌های متأخر و مغلوط صورت گرفته است. نگارنده بنا در دست داشتن دو نسخه متقدم از دیوان این شاعر، بسیاری از اغلاط، تصحیف‌ها، افتادگی‌ها و ابهام‌ها این دیوان را با مطابقت این دو نسخه برطرف ساخته که برخی از این موارد در این مقاله ذکر گردیده است.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان Ayalameha@yahoo.com

واژه های کلیدی: تصحیح، نسخه خطی، دیوان، معزی.

(۱) مقدمه

ابوعبدالله محمد بن + عبدالملک نیشابوری معروف به امیر معزی نیشابوری، معروف ترین شاعر عصر سلاجقه که در دستگاه سلطان ملکشاه و سنجرین ملکشاه سلجوقی به امیرالشعرایی معروف بوده است و بنا به نوشته استاد همایی «الحق لقبی به مورد و اسمی با مستی داشته؛ چه در عهد سلاجقه کمتر شاعری از حیث فصاحت و جزالت اسلوب و شیرینی سخن، خاصه در تغزل که فن مخصوص اوست، به پایه معزی رسید».

تمامی تذکره نویسان و شعرای معاصر یا بعد از وی، او را از فصحای نامبردار نظم فارسی دانسته و همواره وی را به لطیف طبعی و استادی و جزالت کلام و شیرینی زبان ستوده اند. عوفی او را «سلطان جهان بیان و لشکرکش امراء کلام و شهسوار میدان فصاحت» خوانده و گوید «سه کس از شعرا در سه دولت اقبال ها دیدند و قبول ها یافتند، چنانکه کس را آن مرتبه میسر نبود، یکی رودکی را در عهد سامانیان و عنصری در دولت محمودیان و معزی در دولت ملکشاه». استاد اقبال آشتیانی در مقدمه دیوان معزی می نویسد «دیوان این شاعر مشتمل بر یک سلسله وقایع بسیار مهم است که یا ضبط آن ها از قلم مورخین سلاجقه فوت شده و یا به وسیله آن ها می شود نوشته های آن مورخین را تکمیل و تصحیح کرد. تا آنجا که می توان دیوان امیر معزی را مکمل تاریخ سلاجقه و معاصرین ایشان دانست.

ویژگی عمده شعر معزی سادگی و روانی عبارات است. از طرفی کوششی که او در سرودن غزل های نغز کرده، تأثیر بسزایی در پیشرفت غزل سرایی در آن عصر داشته است. در شعر او تنها به مدح و غزل باز نمی خوریم، بلکه گاه هم از وعظ، اندرز، حکمت و توحید اثری می یابیم.

۲) پیشینه تصحیح و چاپ دیوان امیر معزی

دیوان امیر معزی تاکنون دوبار در ایران به چاپ رسیده است. چاپ نخست توسط استاد عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۳۱۸ شمسی صورت گرفته است. این دیوان متضمن قصاید و غزلیات، مقطعات، ترکیات، رباعیات و اضافات نسخ شامل ۱۸۶۲۳ بیت است که از طرف کتابفروشی اسلامیة در تهران به طبع رسیده است. متن دیوان بر اساس سه نسخه، یکی نسخه متعلق به مصحح در عهد صفویه بدون تاریخ یا هویتی نامعلوم، دیگری نسخه ای که از طرف سعید نفیسی به مصحح اهداء شده و تاریخ کتابت این نسخه نیز نامشخص است و سرانجام نسخه اهدایی سید نصرالله تقوی به مصحح که تاریخ کتابت آن هم نامعلوم می باشد. مصحح در مقدمه دیوان نوشته اند «به علت جدید بودن نسخه ها از دادن اختلافات نسخ صرف نظر شد و چون همه این نسخه ها جدید و کم و بیش مغلوط بود، بسیاری مواضع همچنان مشکوک و مغلوط مانده. در آغاز این دیوان، مصحح مقدمه ای در پانزده صفحه در شرح حال شاعر و پدر او، برهانی، همچنین جوانی و قصه نیر خوردن شاعر و شهرت و اهمیت مقام معزی نوشته است. متن دیوان در ۸۲۹ صفحه بدون فهرست اشعار و تعلیقات تنظیم گردیده است.

چاپ دوم این دیوان در سال ۱۳۶۲ توسط ناصر هیری از سوی نشر مرزبان صورت گرفته است. این چاپ بسیار مغلوط و نابسامان و به گونه ای بازاری صورت گرفته است. مصحح مشخص نکرده که چه نسخه ای از چه قرنی در دست داشته است. اما از شواهد به نظر می آید که نسخه ایشان بسیار شبیه نسخه استاد اقبال بوده و یا از روی آن نسخه استنساخ شده است. این دیوان شامل یک مقدمه در شانزده صفحه و متن دیوان شامل قصاید و ترکیات، قطعات و غزلیات، رباعیات و اضافات نسخ است. در پایان، یک لغت نامه و فهرستی از اشعار شاعر ارائه گردیده است که اگر ارزشی برای این دیوان قائل شویم مربوط به همین لغت نامه نابسامان و فهرست ناتمام آن است. متن این دیوان به مراتب از متن دیوان تصحیح استاد اقبال، غیر علمی تر و نامستندتر است و علاوه بر اینکه هیچ اطلاعی در مورد نسخه اساس یا نسخ بدل مورد استفاده مصحح نداریم و هویت نسخه برای خواننده ناشناخته و مجهول است، اغلاط و تحریفات و تصحیفات فراوانی در متن دیوان مشهود است که به تصریح می توان ادعان کرد که حتی یک

قصیده منقح و بی غلط در این دیوان نمی توان یافت و از این رو از برداختن به این تصحیح صرف نظر می کنیم.

با وجود زحمات فراوانی که استاد اقبال آشتیانی در تصحیح دیوان امیر معزی متحمل شده اند، متن دیوان بسیار مغلوطن و نابسامان است. بسیاری از ابیات محرفه بسیاری از اشعار باوا افتادگی و تعداد فراوانی هم به صورت مبهم و مغلوطن ضبط گردیده است.

نگارنده از آنجا که چند سالی مشغول تصحیح دیوان ادیب صابر ترمذی بودم، در هنگام تهیه نسخ دیوان این شاعر، به دو مجموعه از دواوین شعرا برخورد کردم که در هر دو مجموعه اشعاری از دیوان امیر معزی ضبط گردیده بود. یکی از این دو مجموعه به نام «منتخب دواوین سته» از شش شاعر، مکتوب به سال ۷۱۳ و ۷۱۴ است که به خط کاتبی موسوم به عبدالؤمن علوی کاشی به خط خوش متمایل به ثلث استنساخ شده است. این مجموعه در کتابخانه ایندیا آفیس (دیوان هند) انگلستان به شماره ۲۱۳ نگهداری می شود و علامه قزوینی از اصل این نسخه عکس برداشته و در کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود. در این نسخه حدود چهار هزار بیت از دیوان امیر معزی از صفحه یک تا هیجده، هر ورق به شش ستون و دو هر کدام از صفحات ۲۷ تا ۴۳ مصراع، مضبوط است. ظاهراً استاد اقبال پس از ختم طبع اشعار معزی از این نسخه آگاهی یافته و قسمت اضافات نسخ دیوان امیر معزی را از این نسخه، که در دیگر نسخ نیامده، آورده است. ولیکن تمام دیوان را با این نسخه نفیس مقابله نکرده و بسیار از ابیات به صورت ناتمام (باوا افتادگی) و محرف ضبط گردیده است.

نگارنده علاوه بر نسخه مذکور، به مجموعه ای نفیس از هشت شاعر مکتوب به سال ۱۰۳۹ تا ۱۰۴۱ توسط صدرالدین محمد بن جعفر معمار اصفهانی برخورد کردم که ۱۵۶ صفحه آن مشتمل بر اشعار امیر معزی است. این نسخه بسیاری از تصحیفات و تحریفات دیوان امیر معزی تصحیح استاد اقبال را بر طرف ساخته و از این رو بر آن شدم تا برخی از این تحریفات را به شکل مقاله ای در اختیار علاقمندان قرار دهم.

برخی از ابهام ها و تحریفات های متن دیوان، به گونه ای است که به علت متأخر بودن نسخ مصحح، بسیاری از ابیات که در اصل چهار مصراع بوده، به صورت یک بیت درآمده و دو

مصراع دوم و سوم بیت از متن دیوان ساقط نگردیده است. چند نمونه از این ابیات را ذکر می‌کنیم.

بیت ۳۱۱۸:

آبا متابع امر تو حاضر و غایب و با مسخر حلم تو مهتر از کشواد
بیت به همین صورت نامفهوم و مبهم در متن دیوان تصحیح استاد اقبال مضمیوط است. در نسخه مکتوب به سال ۱۰۴۱ در دست نگارنده، اصل بیت چنین است.

ایسا متابع امر تو حاضر و غایب و بسا مسخر حکم تو بنده و آزاد
کعبه پهلوی تو هست برتر از گرگین کعبه کهر تو هست مهتر از کشواد

بیت ۷۸۴۵:

از مدار چرخ و حکم زهره و بهرام و تیر
با تو باد این شانزده هم در حضر هم در سفر
این بیت نیز از ابیاتی است که مصراع اول و چهارم ترکیب شده و مصاربع سوم و چهارم آن ساقط گردیده است. بیت مزبور مربوط به قسمت شریطه و دعای نایب قصیده است و اصل آن چنین است:

از مدار چرخ و حکم زهره و بهرام و تیر
وز مسیر هرمز و کیوان و سیر ماه و خور
شانزده چیز تو باقی باد تا گیتی بود.

با تو باد این شانزده هم در سفر هم در حضر

بیت ۸۶۰۵:

چون بشد بیمار نرگس گشت خاکستر نشین
جامه زد در نیل و پیش مرگ او شد سوغوار
بیت مزبور در مرثیه پسر مجیر الدوله اردستانی است و دو مصراع دیگر این بیت افتاده است. در نسخ در دست نگارنده، اصل بیت چنین است:
چون بشد بیمار نرگس گشت خاکستر گزین

وز می تیمار در چشمش پدید آمد خمار
چون بنفشه یافت از آشوب عمر او نشان
جامه زد در نیل و پیش مرگ او شد سوگوار

بیت ۱۰۹۴۴:

گر من ابرام نمایم تو کنی اکرام
کردم از بهر لقای تو در این شهر مقام
در نسخه مکتوب به سال ۱۰۴۱ در دست نگارنده، این بیت چنین ضبط گردیده است:

به یقینم من و دائم که به هر مقصودی
گر من ابرام نمایم تو کنی اکرام
گشتم از بهر لقای تو در این شهر مقیم
کردم از بهر قبول تو در این شهر مقام

بیت ۱۶۳۶۶:

در جهاننداری تو را ایام پسندد همی
مهران را کهتری حکم تو فرماید همی
مصراع دوم و سوم این بیت نیز از دیوان تصحیح استاد اقبال ساقط گردیده و اصل بیت چنین است:

در جهاننداری تو را ایام پسندد همی
در شهنشاهی تو را اقبال بستاید همی
کهران را مهتری رسم تو آموزد همی
مهران را کهتری حکم تو فرماید همی

ابیات فراوانی دیگری در متن دیوان وجود دارد که متأسفانه به علت عدم وجود نسخه صحیح و متقدم در دست مصحح، به صورت یک بیت درآمده که ذکر همه آنها در این مقال مقدور نمی باشد.

از دیگر اشکالات این تصحیح، ایبانی است که در متن دیوان با وا افتادگی ضبط گردیده و استاد اقبال در کنار آن ایبات علامت سؤال گذاشته و به علت نبود نسخه، ایبات را به همان صورت ناقص و نقطه چین ضبط کرده اند. فقط چند نمونه از آن ذکر می گردد.

بیت ۴۰۳۷:

جهان تنگ است بر اعدا به سان حلقه خاتم

..... نگین دارد

بیت به همین صورت در متن دیوان ضبط گردیده و مصحح در پاورقی نوشته اند که «این بیت از جمیع نسخ افتاده، فقط صورت مذکور در متن یک نسخه به جاست». در نسخ در دست نگارنده، بیت به صورت زیر ضبط شده است:

جهان تنگ است بر اعدا به سان حلقه خاتم

ز بهر آنکه او مهر خلافت بر نگین دارد

بیت ۷۵۰۰:

افتخار خسروان باشد به دنیا و به دین

.....

مصراع دوم این بیت نیز با وا افتادگی در متن دیوان ضبط گردیده و مصحح در پاورقی آورده است که «در اینجا یک مصراع از همه نسخ ساقط بود». صحیح بیت چنین است:

افتخار خسروان باشد به دنیا و به دین

دین و دنیا را به سلطان جهان است افتخار

بیت ۸۷۶۹:

چرخ گردان شاد گرداند ز وصل یکدگر

مصراع اول این بیت نیز به صورت نقطه چین در متن دیوان تصحیح استاد اقبال و تصحیح ناصر هیری (مانند تمامی ایبات دیگر) ضبط شده است. صورت صحیح بیت چنین است:

باز گرد از من که ما را با سلامت تانه دیر

چرخ گردان شاد گرداند ز وصل یکدگر

بیت ۸۸۲۳:

تا شناسد حال هفت اقلیم بر در گهت

با پرستش صد گروه و با ستایش صد نفر

بیت مزبور که در متن دیوان امیر معزی در هر دو تصحیح، به صورت ناقص و نامفهوم ذکر گردیده، علاوه بر آنکه قسمتی از آن با وا افتادگی ضبط شده، مصراع دوم و سوم آن نیز ساقط گردیده است. صورت صحیح و کامل بیت چنین است:

تا شناسد حال هفت اقلیم را بگردون شناس.

تا شمارد روزهای هفته را اختر شعر

باد هر روزی ز اقلیم دگر بر در گهت

با پرستش صد گروه و با ستایش صد نفر

بیت ۱۵۸۷۴:

همه جهان به زمانی بدل شد ای عجبی

این بیت نیز از ابیاتی است که با افتادگی و به صورت ناتمام در دیوان مصصحن دیوان امیر معزی ضبط گردیده است. استاد اقبال در پایین صفحه ۶۹۰ نوشته اند: «این مصراع در یک نسخه که فقط همان، بر این قسمت از قصیده مشتمل است نیست». کامل بیت چنین است:

همه جهان به زمانی بدل شد ای عجبی

چنانکه گفت خرد لاله الا الله

دسته دیگر از اشکالات دیوان امیر معزی طبع استاد اقبال، ابیاتی است که مصحح به علت نداشتن نسخه، بیت را به صورت مبهم و مغلوب ضبط کرده و در کنار آن علامت سؤال گذاشته اند. چند نمونه از آن را ذکر می کنیم.

بیت ۱۱۴۴:

اگرچه پست کند پیل هست کوه به سنگ

وگرچه ریزه کند شیر شوزه دارد ناب

این بیت به همین صورت نامفهوم در دیوان تصحیح استاد اقبال آمده و مصحح در کنار هر دو مصراع علامت سوال گذاشته اند، اصل بیت چنین است:

اگرچه پست کند پیل مست کوه به یشک

وگرچه ریزه کند شیر شوزه سنگ به ناب

یشک دندان نیز و برنده جانوران درنده و ناب نیز به معنی دندان نیش است. بیت بعدی آن هم از متن دیوان ساقط گردیده است:

نه با عداوت او پیل مست دارد زوزر

نه با سیاست او شیر شوزه دارد تاب

و دو بیت به صورت یک بیت ترکیب شده و مبهم و نامفهوم در متن دیوان آمده است.

بیت ۸۷۵۴:

جامه و پیرایه ساز از بهر من گر عاشقی

زین و بالان [زراها کن] از پی اسب و ستر

بیت مزبور در نسخه مصحح، ناتمام و نامفهوم بوده و مصحح عبارت داخل قلاب را تصحیح قیاسی کرده و به صورت مزبور حدس زده اند. در نسخه در دست نگارنده مکتوب به سال ۱۶۴۱، مصراع دوم چنین است: «زین و بالان چند سازی از پی اسب و ستر».

بیت ۱۰۹۴۸:

کرده بر جامه علم تو علم دست بقا

بسته بر نامه جاه تو سبح (؟) دست دوام

بیت به همین صورت نامفهوم در متن دیوان آمده و مصحح پس از کلمه مبهم سبح علامت سوال گذاشته اند. کلمه نامفهوم: سُحَا (سحی) به معنی بند و نواری است که نوشته را به آن می بسته اند. این کلمه بدین معنی و به معنی مهرانمه در شعر فارسی فراوان به کنار رفته است. بیت مزبور، شریطه و دعای تأیید قصیده است و بیت بعد آن نیز از قصیده ساقط گردیده است:

روزگارت همه فرخنده و عیدت فرخ

طبع تو شاد و دلت خرم و عیشت پدram

و از این گونه ابیات ساقط شده در متن دیوان فراوان دیده می شود که ذکر همه آنها خود مقاله ای مبسوط خواهد گردید. مثلاً در ضمن قصیده ای با مطلع «آمد آن فصلی کز او خرم شود روی زمین / بوستان از فرّ او گردد چو فردوس برین» پس از بیت ۱۲۴۳۶، پانزده بیت ساقط گردیده است. و یا یک قصیده در مدح ملک ارسلان ارغو در صفحه ۲۱۴ کتاب ذکر شده که همان قصیده با اختلافات بسیار در صفحه ۳۷۵ کتاب تکرار گردیده است.

بیت ۲۶۲:

او سلیمان است و تیغ تیز در انگشتی

وین مبارک پی وزیرش آصف بن برخیا

به جای نیم مصراع «تیغ تیز در انگشتی»، «تیغ تیز او انگشتی» صحیح است.

بیت ۱۱۲۶:

به باغ و راغ مگر ابر و باد داشته اند

به توده عنبر ناب و به رشته درّ خوشاب

به جای «داشته اند» در نسخه مکتوب به ۱۰۴۱، «دادستند» ضبط شده که با مفهوم بیت سازگارتر است.

بیت ۱۱۴۸:

دو دست بخل زجود تو برشده است بلند

دو چشم جور زعدل تو درشده است به خواب

به جای نیم مصراع «برشده است بلند» در نسخ در دست نگارنده، «برشده است به بند» ضبط شده که صحیح هم چنین است.

بیت ۱۲۲۵:

تا روی نیکوان بود از قطره های خون

چونانکه برچکد به گل سرخ بر گلاب

به جای کلمه «خون»، «خوی» به معنی عرق رخسار صحیح است.

بیت ۱۳۵۲:

در چهره بدایع اگر خصل بشمرند

در پیش خطّ و خطّ تو کم ابر و آفتاب

به جای کلمه بی ارتباط «چهره»، «قمره» به معنی قمار صحیح است. که با خصل به معنی داو و گرو قمار سازگارتر است. در همان قصیده آمده:

وین طرفه تر که جان و دلم را گسسته اند

در زیر بار شکر و نعم ابر و آفتاب

به جای کلمه ناسازگار «گسسته اند»، «کشیده اند» صحیح است.

بیت ۲۹۳۹:

گر کفایت را یکی معمار سازد روزگار

از کف او کفه و از کلک او شاهین کند

به جای «معمار»، «معیار» صحیح است که با کفه و شاهین در مصراع دوم تناسب دارد.

بیت ۳۷۷۰:

گر به پیش تخت او در حاجبی گوید سخن

حرمش نیکو شناسد پاسخش درخور دهد

به جای مصراع اول، در نسخهٔ مکتوب به سال ۱۰۴۱، چنین آمده است «هر که پیش تخت او در حاجتی گوید سخن».

بیت ۳۷۸۵:

تا که کوه و باغ را از پرنیان سرخ و زرد

چرخ در آزار و آذر جامه و چادر دهد

بر رخ احباب و اعدای تو پوشاناد چرخ

آن سلب هایی که در آزار و در آذر دهد

در هر دو بیت به جای «آزار»، «آذر» به معنی یک از ماه های رومی صحیح است.

بیت ۳۹۶۳:

جان است مگر عدل تو یا نور لطیف است

کائدر تن و در دیده حیات دگر آرد

به جای مصراع دوم در نسخ در دست نگارنده چنین آمده است «کائدر تن و در دیده حیات و بصر آرد» و بیت بعد نیز از دیوان مصحح ساقط گردیده است:

نشگفت گر از غایت اقبال تو دولت

هر گنج که در خانه نهان است بر آرد

به جای کلمه نامناسب «خطر»، «مطر» صحیح است.

بیت ۵۱۶۱:

تا و شق پوشان باغ از یکدگر گشتند دور

در هوا هست از سیه پوشان قطار اندر قطار

بیت در وصف خزان و به جای «وشق»، «وشی» به معنی نوعی پارچه ابریشمین سرخ رنگ صحیح است. و این کلمه در دیوان امیر معزی (و دیگر شعرا) سابقه دارد. امیر معزی در بیتی دیگر گوید:

کبکان وشی پوش زبس لاله که خوردند

منقار همه گشت عقیقین به کمر بر

جای پس تعجب است که بیت مورد بحث (۵۱۶۱) که در ضمن قصیده ای در مدح ملک ازسلان ارغو در صفحه ۲۱۴ دیوان آمده، تمام این قصیده در صفحه ۳۷۵ کتاب با اختلافات فراوان تکرار گردیده و در آنجا «وشق» به صورت «وشی» ذکر شده و مصحح در حواشی وشی را معنی کرده اند. هر چند که در حواشی صفحه ۲۱۴ نوشته اند که وشق به فتح تین معرب و شک نام جانوری است که از پوست آن پوستین نیکو می کرده اند و در ضمن این قصیده مکرر، بیتی است که مصحح در کنار آن علامت سوال گذاشته اند و آن بیت چنین است (۸۸۵۷):

زان شرف کز تیر و از تیغ به مید زخم (?)

آهوان بر چشم و گوران بر سرین از روزگار

و صحیح مصراع اول طبق نسخه در دست نگارنده (و طبق ضبط مصحح در صفحه ۲۱۵، بیت ۵۱۸۸) چنین است «زان شرف کز تیر و از تیغت همی یابند زخم»
بیت ۵۵۱۴:

کمتر از یک ذره و یک قطره باشد از قیاس

پیش ظلم او جبال و پیش جود او بحار
به جای کلمه «ظلم» در مصراع دوم «حلم» صحیح است.
بیت ۵۶۳۰:

خلاص یافتم و زر خالص آوردم

به مجلس تو چنین است زر راست عیار.

عیار و وزن چنین زر نودانی از ملکان

که خاطر تو محک است و عقل تو عیار

مصراع دوم بیت اول در نسخ در دست نگارنده چنین است: «به مجلس تو چنین بناک وزن و راست عیار» و به جای عیار در بیت دوم که تکرار قافیه شده و ناصحیح است «عیار» ضبط گردیده که صحیح هم، چنین است.
بیت ۵۶۳۸:

همه شکر لب و بادام چشم و بسته دهان

بنفشه زلف و سمن عارضین و گل رخسار

به جای «بسته»، «بسته» صحیح است.

بیت ۵۶۷۲:

هر چند روزگار دگر گشت زانکه او

جز خواجه کیست سید پیران روزگار

مصراع اول به همین صورت نامفهوم در متن دیوان ضبط شده و استاد اقبال کنار آن نوشته اند «کذا» که برای ایشان محل تأمل بوده است. صورت صحیح مصراع اول چنین است «هر چند روزگار دگر گشت زانکه بود».

بیت ۵۷۲۹:

همیشه خلق جهان را تویی به عجز مشار

چنانکه شاه جهان را تویی به خیر مشیر

به جای کلمه «عجز»، «فخر» صحیح است.

بیت ۵۸۲۰:

گر هست رخس پاک تر از نقره صافی

ور هست رخس سرخ تر از لاله احمر

به جای «رخس» در مصراع دوم، «لبس» صحیح است. بیت بعد چنین است:

آن نقره صافی که نهفته است به سبیل

و آن لاله احمر که سرشته است به شکر

و این مصراع دوم در بیت آخر وصف لب معشوق است نه رخ او.

بیت ۵۸۳۹:

ایام نموده است ز بهروزی او فخر

اعلام فزوده است ز پیروزی او فر

به جای «اعلام» در مصراع دوم «اسلام» صحیح است.

بیت ۶۳۴۱:

وزان سبب همه کس روی در حجر مانند

که سختی از لب سنگین او ربود حجر

به جای کلمه بی ارتباط «لب» در مصراع دوم «دل» صحیح است و بعد از این بیت، چهار بیت از این قصیده ساقط شده است.

بیت ۸۵۷۵:

عکس او در جرم او گویی مرکب کرده اند

در میان دسته گل سفته زر عیار

طبق نسخ در دست نگارنده در مصراع دوم، به جای سفته، شفشه صحیح است. شفشه یا شوشه، شمس طلا یا نقره را گویند.

بیت ۸۶۱۹:

تا که دارد در جهان چون چشمه آب حیات

دارم از تیار او چون آذر برزین جگر

در مصراع اول به جای جهان، «دهان» و به جای «تیار»، در مصراع دوم «تیمار» درست است و بیت بعد آن نیز ساقط گردیده است:

چشمه ای دیدی که اندر آب او پروین برست

آذری دیدی کز او بروفت تا پروین شرر

بیت ۹۹۹۵:

آن کند تابش تیغ تو به خفتان و زره

که کند تابش مهتاب به کتان و حشیش

صحیح مصراع دوم طبق نسخ در دست نگارنده چنین است (که کند تابش مهتاب به کتان و به خیش). خیش نوعی پارچه کتانی است و مصراع اشاره دارد به اینکه قدما معتقد بودند کتان در مقابل ماه می پوسد.

بیت ۱۳۸۹۲:

هر دشمنی کاندر جهان کو مر تو را کرد امتحان

انداخت او را آسمان از امتحان اندر محن

به جای «کو مر تو را» در نسخه مکتوب به سال ۱۰۴۱، «کین تو را» آمده و همین درست است.

بیت ۱۳۹۰۳:

گاه بقا گفته فلک با بخت تو مالی و لک

تاحشر نادیده ملک بی گردن بخت و شن

مصراع دوم بی ارتباط و صحیح آن طبق نسخ در دست نگارنده چنین است «تا حشر نادیده ملک
در دیده بخت و سن». و سن به معنی خواب و چرت است.
بیت ۱۳۹۰۶:

فرمان تو نفع بلا عمرت مؤید در بلا

تا نفی را گویند لا تا جزم را گویند لن

بیت دعای تأیید ممدوح است. صحیح بیت چنین است:

فرمان تو نفی بلا عمرت مؤید در غلا

تا نفی را گویند لا، تا نصب را گویند لن.

بیت ۱۴۰۷۱:

از آتش سیاست و خشم تو در سزد

مغفر شود چو معجز و مردان شوند زن

به جای «در سزد» در مصراع اول، «در نبرد» صحیح است.

بیت ۱۴۶۳۵:

جهان و هر چه در او هست دونِ همت توست

عیال همت تو هست صد هزار جهان

به جای «عیال» در مصراع دوم «عیار» صحیح است.

بیت ۱۴۸۵۲:

ای آشکار پیش دلت هر چه کردگار

آرد همی به پرده غیب اندرون نهان

به جای کلمه نامناسب «آرد»، «دارد» صحیح است.

بیت ۱۵۸۹۳:

همیشه تا که بلرزد به روزگار بهار

درخت را از نسیم و گیاه را زمیاه

مصراع اول به همین صورت نامفهوم در متن دیوان ضبط شده و استاد اقبال در کنار آن نوشته اند «کذا» که برای ایشان محل ابهام بوده است. صحیح مصراع طبق نسخ در دست نگارنده چنین است «همیشه تا که نگزیرد» و در بیت بعد هم:

ز دور دانش تو نازه باد دولت و دین چو از نسیم درخت و چو از میاه گیاه

به جای «ز دور دانش»، «ز داد و دانش» صحیح است.

دسته ای دیگر از تحریفات و تصحیفات متن دیوان به گونه ای است که در بسیاری از ابیات، واژه ای در مصارع اول و دوم مکرر ضبط گردیده است. در حالی که اکثر ابیات این شاعر دارای صنعت ترصیع و موازنه بوده و اگر شاعر عبارت و کلامی در مصراع اول به کار برده، در مصراع ثانی قرینه آن را لحاظ داشته، لیکن در چاپ دیوان، این موازنه‌ها رعایت نگردیده و واژه های مکرر در مصراع های متفاوت مضبوط است. به چند نمونه از این تحریفات اشاره می شود.

بیت ۷۵:

فتح تو گویم اکنون هر ساعتی مکرر

مدح تو گویم اکنون هر لحظه ای ثنا

به جای واژه «گویم» مکرر در مصراع ثانی، «خوانم» صحیح است.

بیت ۲۹۶۳:

باغ از او مانند صورت خانه مانی شود

باغ از او مانند لغت خانه آزر شود

طبق اقدم نسخ در مصراع دوم به جای «باغ»، «راغ» صحیح است و در دنباله قصیده:

نه هر آن صاحب که بردارد قلم چون او شود

نه هر آن غازی که تیغی برکشد حیدر شود

در این بیت نیز به جای «شود» در مصراع اول، «بود» صحیح است؛ چرا که بیت در اثنای قصیده است و تکرار ردیف عیب قصیده:

بیت ۵۲۷۱:

چو تو ندید فلک در جلالت و تعظیم

چو تو نژاد فلک در کفایت و تدبیر

به جای «فلک» در مصرع اول، در نسخ در دست نگارنده، «جهان» مضبوط است.

بیت ۵۵۱۵:

هر کجا مغفر بود شمشیر او مغفر شکاف

هر کجا جوشن بود شمشیر او جوشن گذار

در اقدم نسخ به جای «شمشیر» در مصرع ثانی، «پیکان» ضبط گردیده است.

بیت ۵۵۱۸:

هست در چشم عدو دیدار او بی نار نور

هست در مغز عدو شمشیر او بی نور نار

به جای واژه مغلول و مکرر «عدو»، در مصرع اول «ولی» صحیح است.

بیت ۵۸۵۹:

سرمه است مرا خاک قدم های تو در چشم

تاج است مرا خاک قدم های تو بر ستر

در نسخ در دست نگارنده مصرع دوم چنین است «تاج است مرا نقش قلم های تو بر سر».

بیت ۶۳۳۶:

شکوفه را شکن زلف او شده است حجاب

ستاره را گره زلف او شده است سپر

به جای «زلف»، مصرع اول در اقدم نسخ، «جعد» آمده که اصح است.

بیت ۷۴۹۰:

شهریاری جانفزای و روزگاری دلگشای

آنت زیبا شهریار و اینت زیبا روزگار

به جای «زیبا» مکرر در مصرع دوم، در اقدم نسخ «نیکو» مضبوط است.

بیت ۸۸۲۰:

از تو باید یک نظر تا با فلک گوید سخن

وز تو باید یک سخن تا از فلک یابد نظر

به جای «فلک» مکرر، «ملک» صحیح است.

بیت ۱۲۴۱۱:

ز تیغ تیز تویی خصم بند و شهرگشای

به دست راد تویی مال بخش و شهرستان

در اقدم نسخ در دست نگارنده، به جای واژه «شهرستان» در مصرع ثانی «ملک ستان» آمده است.

بیت ۱۲۷۵۸:

همیشه تا جهان باشد تو بادی اندر او خسرو

دلت شاد و تنت ساکن سرت سبز و دلت خندان

به جای ترکیب «دلت خندان» در مصرع ثانی «لبت خندان» صحیح است.

بیت ۱۳۲۷۶:

گهی ز سنبل زلف تو خرمن نهد بر لاله زار

گه ز عنبر جعد تو پر چین نهد بر گلستان

به جای «نهد» در مصرع اول در نسخ در دست نگارنده «زند» آمده که قرینه «نهد» در مصرع ثانی است.

بیت ۱۱۶۱۳۸:

دعوی خسروان را برهان شده است تیغش

اینت بزرگ برهان و اینت بزرگ دعوی

به جای «بزرگ برهان» در اکثر نسخ، «درست برهان» ضبط گردیده که صحیح هم چنین است.

نمونه هایی دیگر از تصحیفات و تحریفات

متن دیوان چاپی استاد اقبال	نسخ در دست نگارنده
بیت ۳۷۴۹: تا ندیدم زلف چنبر دار عنبر بوی او	تا ندیدم زلف چنبر وار عنبر بوی او
بیت ۳۸۴۹: اگر آن زلف زره دار سلاحش نبود	اگر آن زلف زره وار سلاحش نبود
بیت ۵۶۹۷: ز فریبی شد و زینت به سان ربع و طلل	ز فرّ و زیب نهی شد به سان ربع و طلل
بیت ۵۷۰۸: نه راستی قلم او به تیر ماند راست	ز راستی قلم او به تیر ماند راست
بیت ۵۸۶۷: فرخ تر و خوش رام تر امروز تو از دی	فرخ تر و پدارم تر امروز تو از دی
بیت ۱۰۴۲۲: نوشته صورت او نیست چرخ را نماند	به شبه و صورت او نیست چرخ را نماند
بیت ۱۰۹۱۸: عشق ما و تو چنان است که صد حبله کنم	عشق من بر تو چنان است که صد حبله کنم
بیت ۱۴۸۷۸: قصد او آن است کز من دل رباید بی گزاف	قصد او آن است کز من دل رباید برگزاف
بیت ۱۴۸۸۷: زان سپس کو در خرد کافی تر است از هر مکین	زان سبب کو در خرد کافی تر است از هر مکین
بیت ۱۵۵۰۵: یاد بوی بوستان و باده و باد بهار	ما و بوی بوستان و باده و باد بهار
بیت ۱۵۸۴۶: در جهاننداری حصار از سنگ و آهن ساختند	ور جهانداران حصار از سنگ و آهن ساختند
بیت ۱۷۸۹۸: بازیام زو که با من سرگران دارد همی	باز مانم زو که با من سرگران دارد همی
بیت ۱۹۹۹۳: اجل از دشمن تو باز نگردهد به خیال	اجل از دشمن تو باز نگردهد به خیال

با تأمل در نمودار مزبور و دیگر آیات مذکور می توان استنباط کرد که بسیاری از تصحیف ها تحریف های دیوان چاپی امیر معزی (و به تبع آن چاپ ناصر هیری که عیناً از روی نسخه چاپی استاد اقبال صورت گرفته) به خاطر وجود حروف متشابه الشکسل در نسخه های متقدم دیوان که تمیز آن ها از یکدیگر فقط به گذاردن نقطه و علانمی مانند سرکش است و کاتبان نسخ متأخر به خاطر تساهل و تسامح و عدم تأمل، این تشابهات را ملحوظ نداشته و یا حروف یک کلمه که در نسخ متقدم از نظر سطح خط کوتاه و از جهت دور خط فشرده کتابت می شده، مغلوط خوانده و مصحف کتابت کرده اند. تصحیف چنبر وار / به چنبردار، زره وار / به زره دار، ضم / به صورت خم، سعد فشان / به سعد میان، شفته / به شقه و « به شبهه / به صورت نوشته (و نبشته) و همچنین خصسا / به حصنا، خوی / به خون و نمونه های فراوان دیگر که در متن دیوان چاپی امیر معزی مشهود است، ناشی از همین تساهل و تسامح های کاتبان نسخ متأخر دیوان این شاعر است و

بدیهی است، تنها راه حل، تنفیح و تصحیح دیوان این شاعر رجوع به نسخ متقدم و اصیل و مقابله و مقایسه با نسخ چاپی این دیوان می باشد.

۳) نتیجه

ابیات مزبور تنها نمونه هایی از تصحیفات و تحریفات دیوان امیر معزی طبع استاد اقبال آشتیانی است که ذکر گردید. با توغل و تأمل بیشتر می توان ابیات فراوانی را در دیوان این شاعر یافت که یا با اسقاطات و وا افتادگی ها ضبط شده و یا همچنان محل ابهام بوده و مصحح در کنار آنها علامت پرسش گذاشته و یا ابیات فراوانی در ضمن قصیده ای ساقط گردیده و یا مصاریع دوم و سوم یک بیت محذوف شده و مصراع هنای اول و دوم در ضمن یک بیت بیان گردیده و یا اختلال وزنی در آن مشهود است. علاوه بر آن، با توجه به اینکه اکثر ابیات این شاعر دارای صنعت ترصیع و موازنه بوده و اگر شاعر عبارتی در مصراع اول به کار برده، در مصراع دوم قرینه آن را لحاظ داشته، لیکن در چاپ دیوان این شاعر این موازنه ها رعایت نگردیده و همان عبارات مصراع اول در مصراع های دوم تکرار گردیده که تنها ذکر همین اغلاط خود مقاله ای مبسوط خواهد بود. بنا بر آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که مصصحان دیوان این شاعر با توجه به این که نسخه های متعدد در دست داشته اند و با نسخه های ایشان متأخر بوده است، دیوانی تصحیح و چاپ کرده اند که نمی تواند متنی علمی و منقح از اشعار این شاعر فصیح گوی اوایل قرن ششم باشد و بدین گونه بر هر محقق روشن می شود که تصحیح مجدد دیوان این شاعر امری ضروری و لازم به نظر می رسد.

منابع و مأخذ

اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۱۸) تصحیح دیوان امیر معزی، کتابفروشی اسلامیة.
صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۳) تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات فردوسی.

- مایل هروی، نجیب: (۱۳۸۰) تاریخ نسخه بردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۶۹) نقد و تصحیح متون، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- منجد، صلاح الدین، (۱۳۶۴) روش تصحیح کتاب های خطی، مترجم محمود فاضل، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مشهد.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۵) تاریخ ادبیات ایران، به کوشش ماهدخت همایی، چاپ اول، تهران، موسسه نشر هما.
- هیری، ناصر، (۱۳۶۲) تصحیح دیوان امیر معزی، چاپ اول، تهران، نشر مرزبان.